

# مناره های کج !



بهار 1391

«مسجد صاحب‌الامر یا مسجد شاه تهماسب یکی از مساجد قدیمی و کهن شهر تبریز است که در مرکز این شهر واقع شده است. این بنا توسط شاه تهماسب یکم ایجاد شده است و در آغاز متعلق به وی بوده است. بعدها با حمله سپاهیان عثمانی به ایران، مسجد صاحب‌الامر به طور کلی ویران گردید. کتاب چلبی در کتاب "جهان‌نما" در این باره می‌نویسد: "در قسمت شرقی میدان صاحب‌آباد متصل به جامع سلطان حسن، مسجد مزین و گویا وجود داشت که چون بنایش ز ماه هم سب بود، ساکر عثمانی جابجا را بن برد. پسر از عه تشوی عثمانیان این مسجد توسط "میرزا محمد ابراهیم وزیر آذربایجان در زمان شاه سلطان حسین قزوینی بارز ترار گرفت. ... این اثر در تاریخ 10 مهر 1380 با شماره ثبت 4196 به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. مسجد صاحب‌الامر در اثر زمین لرزه سال 1193 هجری، خسارت فراوانی دید و در سال 1266 هجری، به همت "میرزا علی اکبرخان" (مترجم کنسولگری شوروی در تبریز)، مورد مرمت قرار گرفت و "مدرسه اکبریه" در یکی از صحن‌های آن ایجاد گردید. این بنا دارای یک گنبد و دو مناره است که شکل گنبد و مناره‌ها با سایر مساجد تفاوت بسیاری دارد. از زمان شاه تهماسب یکم، تنها دو تاق مرمرین در این مسجد باقی مانده است که جنبه تاریخی دارند. در کنار یکی از تاق‌ها، سنگ نبشته‌ای مرمرین و در بالای تاق دیگری، سوره "الجن" نوشته شده است. امروزه موزه قرآن و کتابت در محل مسجد صاحب‌الامر ایجاد شده است.» (دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا)

در مورد این مسجد وضعیت به گونه ای است که نیاز به توضیح نیست. بنابراین تنها به نمایش دادن عکس‌های قدیمی و جدید از این بنا اکتفا می‌کنیم. فقط نکته ای که بسیار جالب است مناره های این بنا می‌باشد که به دلیل سنگینی خم شده اند و در حال فرو ریختن می‌باشند. در ساخت اولیه این بنا وزن مناره ها به دلیل نبودن لحاظ نشده به همین دلیل بعد از اضافه کردن مناره ها به این بنا وزن زیادی به ساختار آن تحمیل شده و این مسئله موجب خم شدن مناره ها شده است. از نکات جالب دیگر در این مناره ها عدم انطباق فرم اجر چینی در مناره ها با دیگر قسمت های بنا می‌باشد همچنین در راه پله های موجود در داخل این مناره ها برای بالا رفتن نیاز به طناب یا نردبان است. و این مناره ها اگر مناره ها

از ابتدا در بنا بودند در این صورت باید راه پله مارپیچی داخلی آن از پایین بنا مدخل ورودی داشت در حالی که ورود به این مناره ها از پشت بام مسجد و تنها با کمک گرفتن از یک نردبان و یا طناب امکان پذیر است . خودشان هم به این موضوع اعتراف کرده اند که ساختار مناره ها و گنبد با بناهای دیگر همخوانی ندارد . قرینه این مناره ها در تک مناره مقبره سید حمزه دیده می شود شاید سازندگان هر دو یک گروه بازسازی بوده اند .



رسامی بالا به هیچ وجه نمی تواند از روی کنونی تهیه شده باشد چون تفاوت زیادی با وضع فعلی دارد . شاید مربوط به قبل از تخریب مسجد توسط عثمانی های مسلمان باشد ! شاید هم مربوط به قبل از زلزله سال 1193 ه باشد ! شاید هم مربوط به قبل از بازسازی به وسیله مترجم کنسولگری شوروی باشد ! در این چند ساله فقط این موضوع را خواننده بودیم که مترجم مرمت کار بنا یا معمار باشد ! البته اینجا ایران است و هر اتفاقی ممکن است پیش بیاید .



عکس بالا مربوط به مناره سمت چپ بنا می باشد



عکس بالا مربوط به مناره سمت راست بنا می باشد

مناره های مسجد جامع تبریز هم نوساخته هستند و بعدا به این بنا اضافه شده اند . قرینه این مناره ها و سر در ورودی را در مسجد نو کاشیکاری شده یزد می بینیم . به زودی سازمان میراث فرهنگی دست به کار می شود و مناره های مسجد جامع تبریز را نیز کاشی کاری می کنند تا از قلم نیفتند و از وضع ناراحت کننده کنونی رهایی می بخشد ! .



مناره های و سر در ورودی مسجد جامع یزد

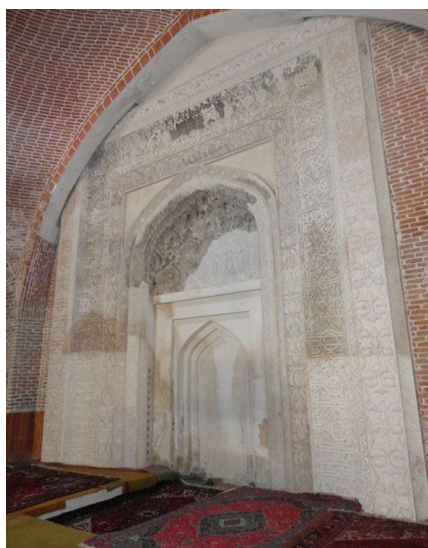


مناره های و سر در ورودی مسجد جامع تبریز

در مورد محراب این مسجد اوضاع بسیار خنده دار است چون کپی برابر اصل محراب مسجد جامع اصفهان را در اینجا می بینیم که دقیقا ثبت با سند مطابقت دارد .



محراب مسجد جامع اصفهان



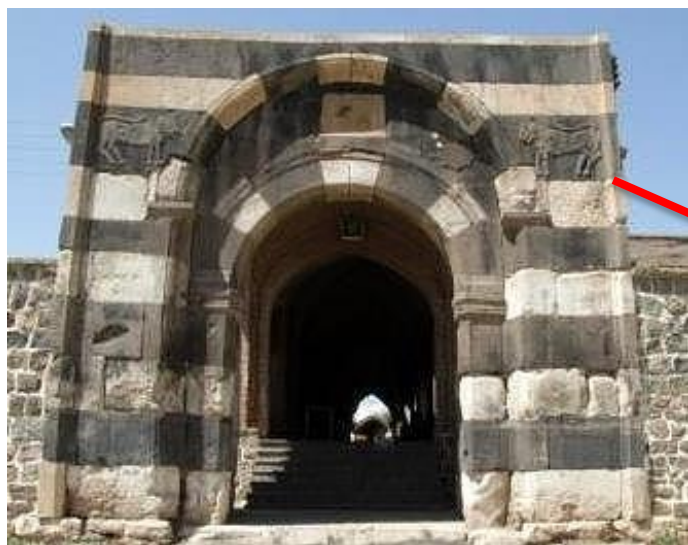
محراب مسجد جامع تبریز

پس کل فتنه ها زیر سر این نصف جهان و کل جهان می باشد . اگر فرصتی باشد قراین دیگری از جعلیات مشترک بین این دو شهر را برایتان آماده خواهیم نمود . در مورد قدمت نصف جهان زیاد گفته اند ، بهتر است کمی هم در مورد قدمت کل جهان بگوییم ! . در یادداشت موسوم به "سنگ ها فریاد می زنند" در مورد دروازه های تبریز صحبت به میان آمد و بر طبق مساحت تشکیل دهنده حصار تبریز و دیگر اسناد ارائه شده ثابت کردیم که قدمت این شهر حداکثر 400 سال می باشد . بهتر است در این جا به عکس هایی از "دروازه باغمیشه" و "دروازه خیابان" تبریز توجه کنید .





بد نیست عکسی از تنها دروازه سنگی باقی مانده در خوی را برایتان نشان دهیم و دروازه های دو شهر خوی و تبریز را با هم مقایسه کنید تا متوجه شوید سازندگان این دم خروس هم یک گروه واحد بوده است . جالب این جاست که در ساخت دروازه سنگی تبریز از سنگ قبرهای بی هویت که قبلا در باره آن بحث کرده ایم ، بهره گرفته اند .



شهری که قدمت چند هزار ساله دارد دارای دروازه ای است که دو قاری بغل هم نمی توانند از آن رد شوند . این اساتید تاریخ و فرهنگ آذربایجان چرا سکوت کرده اند ؟ به نظر ما این سکوت دو نشانه می تواند داشته باشد یا نشانه رضایت و تسلیم از وضع پیش آمده است یا می تواند نشانه ناتوانی از دادن پاسخ به سوالات مطرح شده می باشد ؟ . و همچنان دنبال خرده ای از تاریخ واقعی این منطقه لنگان لنگان ولی با چشمانی باز در حال گشت هستیم .

چند سال پیش استاد پورپیرار در طی مقالاتی از نو ساخته بودن مناره های مسجد جامع اصفهان و محراب این مسجد همچنین کاشیکاری های مسجد جامع یزد صحبت به میان آوردند . در این جا به نمونه دیگری این بار در شهر تبریز اشاره کردیم .

منبع :

کتاب های تاملی بر بنیان تاریخ ایران - ناصر پورپیرار - انتشارات کارنگ

«Aydın Təbrizli »

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**